

کارگردان «مشق امشب»:
جشنواره فجر فرصتی
برای شناساندن
سینمای مستند
به مخاطب عام است



هوتن شکیبا در نشست
رسانه ای ملاقات خصوصی
برای نزدیک شدن
به نقش
به زندان رفتیم!



حیثیت
نقش منفی
درباره جلال پیشواییان
که مهم‌ترین
بدمن سینمای
قبل از انقلاب بود



فجر چو ل

رئیس در خانه جشنواره:
**در حاشیه فجر
باید گفتمان
شکل بگیرد**

40th AJR FILM FESTIVAL

به یاد اکبر عالمی که شیفته ایران بود

در نشست «واکاوی آموزش عالی و سینما» مطرح شد
**ممکن است بهترین کارگردان‌ها
بهترین استادها نباشند**

در نشست نکوداشت دکتر عالمی مطرح شد
**مرحوم عالمی پایه‌گذار شکل
نوین آموزش سینما بود**

شماره پنج



مدیر مسئول:

یزدان عشیری

سردبیر:

جواد محرمی

تحریریه:

مینا فرقانی، محمد صادق عابدینی
محدثه واعظی پور، سعید مروتی
محیا حمزه، فاطمه ترکاشوند
مصطفی پورکیایی، آرش فهیم

گرافیکست و صفحه آرا:

محسن گل دوست

عکس:

مجید آزاد

پادداشت

شهاب‌الدین عادل

به یاد اکبر عالمی که شیفته ایران بود

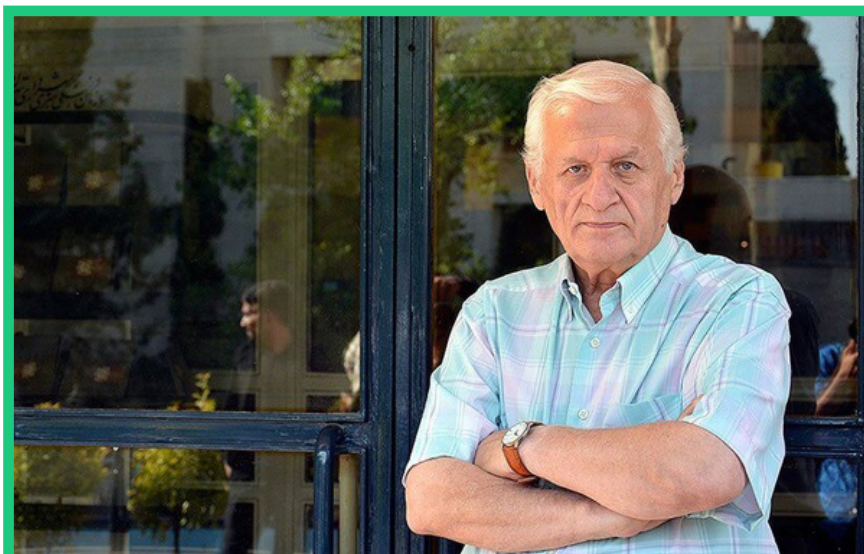
می‌گفت تماشای توسعه و پیشرفت برای من غرورآفرین است.

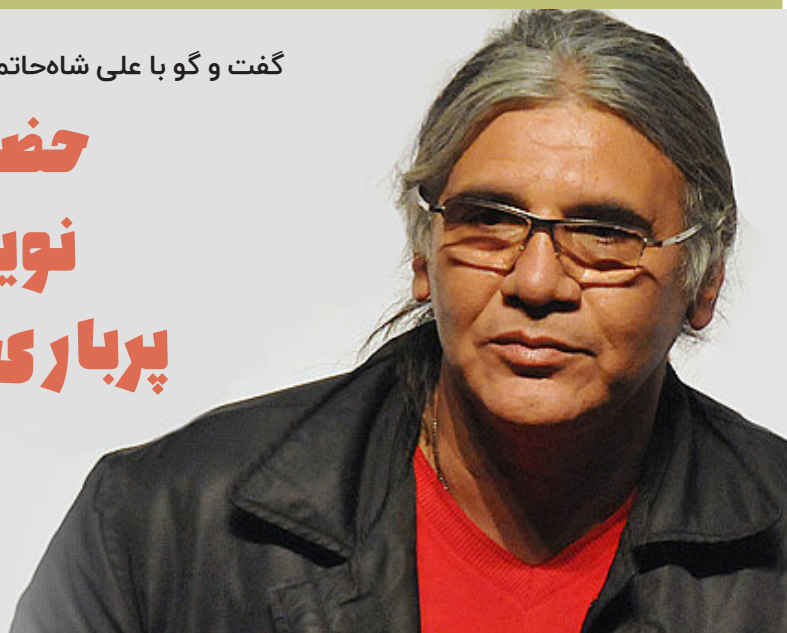
عالمی دقیق و با برنامه بود، بسیاری از فیلم‌های ما مدیون پشتوانه علمی و تخصصی او در لائبراتور بود. همچنین تلاش بسیاری در صنوف تخصصی انیمیشن و دیگر مراکز داشت. او ویژگی‌های خاصی را برای دانشجوی سینما قائل بود و می‌گفت باید مطالعات جانبی داشته باشند، برای او مباحث میان رشته‌ای بسیار اهمیت داشت و می‌گفت دانشجوی سینما باید گستره مطالعات خود را زیاد کند و از این گذشته نظم زیادی داشته باشد. او لباس مندرس پوشیدن و سروقت نبودن را نمی‌پسندید. او می‌گفت ظاهر دانشجوی سینما اهمیت دارد و باید مرتب باشد.»

عالمی به‌شدت به‌روز بود. او به زبان تسلط داشت و بسیار زود با منابع آشنا می‌شد و آن را در کلاس‌هایش مطرح می‌کرد. نمی‌خواست با دانشجو رقابت کند و فضایی ایجاد نمی‌کرد که دانشجو از او شکایت داشته باشد.»

مرحوم اکبر عالمی روحیه فعالی داشت و کلاس‌هایش را پر از انرژی برگزار می‌کرد. من او را پیش از انقلاب می‌شناختم. یکی از منظم‌ترین و دقیق‌ترین افراد بود. او می‌گفت هر شاگرد خوبی می‌تواند روزی استاد شود. عالمی چندوجهی بود و ویژگی‌های زیادی داشت. او در شناساندن سینما بعد از انقلاب نقش مهمی داشت و بیشتر افرادی که بعد از انقلاب نسل اول سینما بودند از شاگردان او بودند.»

عالمی پرمحبت و با انرژی بود، او تمام ابزار خود را برای آموزش به بچه‌ها می‌آورد و هیچ‌وقت کلاس را تعطیل نکرد. او دانشگاه کاملی بود و شاگردانش دوستش داشتند و غیر از کلام زیبا و قدرتمند چیزی نمی‌گفت. اکبر عالمی بسیار ناسیونالیست بود و در حالی که می‌توانست به راحتی خارج از کشور زندگی کند، دوست نداشت از ایران برود و معتقد بود که باید نسل جوان را آموزش داد. او شیفته ایران بود و از پروژه‌های بزرگ صنعتی کشور مستند می‌ساخت و





گفت و گو با علی شاهحاتمی تهیه کننده فیلم ماهان

حضور جوان‌ها نوید جشنواره پرباری را می‌دهد

اینکه به تعداد استان‌ها در فجر افزوده شده بسیار مهم است. چون مردم خیلی از استان‌ها حسرت دیدن فیلم‌های جشنواره را می‌خورند و خیلی از سینمادوستان مجبور بودند از شهر خودشان به تهران سفر کنند تا فیلم‌ها را ببینند

شده تعداد زیادی از علاقه‌مندان می‌توانند با سینما ارتباط برقرار کنند.»

تهیه‌کننده فیلم «ماهان» معتقد است شرایط سخت اقتصادی باعث کاهش مخاطبان جشنواره می‌شود و می‌افزاید «با شرایط اقتصادی که مردم گرفتارش هستند طبیعتاً طرفداران جشنواره، به عده‌ای از علاقه‌مندان به سینما و دانشجویان این رشته محدود می‌شود. امیدوارم روزی برسد که جشنواره ابعاد گسترده‌تری پیدا کند و دانشجویان و علاقه‌مندان سینما بتوانند راحت‌تر فیلم‌ها را ببینند». شاهحاتمی با بیان اینکه ایجاد تعادل بین سلیقه‌ی مردم و منتقدان غیرممکن است، می‌گوید «منتقدان هم باید هم‌دیگر تفاوت نگاه دارند، چه رسد به مردم. شاید یک منتقد، فیلمی را خیلی دوست داشته باشد و منتقد دیگر آن فیلم را نپسندد. در جشنواره این امکان هست که مردم فیلم موردعلاقه‌شان را انتخاب کنند و گاهی می‌بینیم این انتخاب، به نگاه بخشی از منتقدان نزدیک است. ولی محال است مردم منطبق بر نگاه منتقدان در مورد این فیلم اظهار نظر کنند.»

تنوع ژانر نیاز به مدیریت دارد

وی راهکار ایجاد تنوع در ژانر در دسته‌بندی می‌داند و این‌طور توضیح می‌دهد «شورای پروانه ساخت باید تصمیم بگیرد این مسأله را مهندسی کند، طوری که یک‌دفعه در جشنواره با تعداد زیادی فیلم در یک ژانر برخورد نکنیم. مدیریت هنگام دادن پروانه ساخت و به تعبیری دسته‌بندی، می‌تواند باعث تنوع در فیلم‌هایی شود که قرار است به جشنواره برسد. البته حتی اگر این مهندسی هم صورت بگیرد، در نهایت این هیأت انتخاب است که فیلم‌ها را انتخاب می‌کند و ممکن است تعداد فیلم‌ها در ژانرهای مختلف و حضورشان در جشنواره متفاوت باشد.»

شاهحاتمی معتقد است این‌طور نیست که جشنواره بر نگاه و فیلمسازی فیلمساز تأثیر بگذارد و می‌افزاید «یک دوره‌ای این‌طور بود که ژانری در سینما علاقه‌مندان آن ژانر را زیاد می‌کرد. مثلاً تعداد زیادی علاقه‌مند بودند فیلم‌های هنری خاص بسازند. اساساً یکی از دلایل به وجود آمدن بخش هنر و تجربه همین مسأله بود. اما جشنواره روی فیلمساز اثر

گفت‌وگو

مینا فرقانی

علی شاهحاتمی با تهیه‌کنندگی فیلم «ماهان» در این دوره از جشنواره حضور دارد. فیلمی که کارگردانی آن را حمید شاهحاتمی بر عهده دارد. با او درباره‌ی جایگاه جشنواره در چهل‌سالگی این رویداد گفت‌وگو کردیم.

علی شاهحاتمی با اشاره به حذف دو بخش سینمای ایران و سینمای بین‌الملل از جشنواره، می‌گوید «قرار بود این بخش‌ها ادغام شوند. طبیعتاً با حذف این دو بخش، شاهد رقابت در حد فیلمسازهایی هستیم که فیلم‌شان در بخش سودای سیمرغ پذیرفته شده و خیلی‌ها از دیدن خیلی از فیلم‌ها در بخش سینمای فیلمسازان اول و سینمای بین‌الملل محروم می‌شوند. به هر حال حضور نیروهای جوان، این امید را می‌دهد که جشنواره‌ی پرباری باشد.»

جشنواره فجر یک ضرورت است

شاهحاتمی با ابراز خرسندی از تدابیری که برای بهره‌مندی سینمادوستان استان‌های دیگر از فرصت تماشای فیلم‌های جشنواره‌ی فجر اندیشیده شده می‌گوید «وجود جشنواره در هر کشوری به سینمای آن کشور کمک می‌کند و مردمی که به سینما علاقه‌مندند فرصتی می‌یابند که در یک دوره‌ی زمانی مشخص فیلم‌هایی را که دوست دارند ببینند و حتی قضاوت کنند. به تعبیری منتقدان را هم به تلاش و می‌دارد که در مورد فیلم‌هایی که دیده شده اظهارنظر کنند. این اتفاق در جامعه‌ی سینمایی مؤثر است و باعث بالندگی سینما می‌شود. اما شرطش برگزاری مناسب جشنواره است و اینکه مردم بتوانند آن‌طور که باید و شاید از فیلم‌هایی که دوست دارند استقبال کنند. امسال به نظر می‌رسد با توجه به حذف آن دو قسمت، تعداد نمایش فیلم‌ها افزایش یافته. اینکه به تعداد استان‌ها افزوده شده بسیار مهم است. چون مردم خیلی از استان‌ها حسرت دیدن فیلم‌های جشنواره را می‌خورند و خیلی از سینمادوستان مجبور بودند از شهر خودشان به تهران سفر کنند تا فیلم‌ها را ببینند. اما ظاهراً امسال با چاره‌ای که اندیشیده



این کارگردان، نویسنده و تهیه‌کننده‌ی با تجربه‌ی دربارهی توسعه‌ی پلتفرم‌های تصویری در فضای مجازی و شبکه‌ی نمایش خانگی می‌گوید «نگران نیستم؛ چون خروجی VOD ها و برخورد مردم را می‌بینم. مردم از خیلی از این سریال‌ها نفرت داشته‌اند. بعضی از این سریال‌ها آن‌قدر ساده‌انگارانه نوشته و تولید شده‌اند که پلتفرم‌ها به ناچار بابت محتوای ضعیف از مردم عذرخواهی کرده‌اند. سینما جایگاه خودش را دارد و آن شکل کار هم جایگاه خودش را. البته تعداد زیاد پلتفرم و مسابقه‌ای که بین آنها و تلویزیون رخ می‌دهد، در بخش‌هایی به سینما لطمه می‌زند که طبیعی است. مثلاً گاهی یک بازیگر، فیلم‌بردار یا عوامل دیگر فیلم، یکی دو سال درگیر ساخت یک سریال بوده‌اند، که وقتی خروجی کار را می‌بینید احساس می‌کنید تمام افرادی که در آن کار بوده‌اند وقت‌شان را هدر داده‌اند. به هر حال سینما جایگاه خودش را دارد. اگر فیلمی قابلیتش را داشته باشد، حتی می‌تواند جهانی شود و تمام دنیا با آن ارتباط برقرار کنند. داشتن مخاطب جهانی، نقطه‌ای است که پلتفرم‌ها تا سال‌های دور هم نمی‌توانند به آن برسند.»

من با نگاه رقابت به جشنواره نیامده‌ام

شاهحاتمی که ساخت سریال‌های پرمخاطبی مثل «خوش‌رکاب» و «خوش‌غیرت» را در کارنامه دارد، با بیان اینکه برای رقابت به میدان جشنواره‌ی فجر نیامده است، می‌گوید «شرایط کرونا تأثیر زیادی روی فیلم‌ها داشته و فیلمساز را بسیار سخت کرده است. ولی در مجموع من با نگاه رقابت به جشنواره نیامده‌ام. بارزترین نکته‌ی «ماهان» این است که تصمیم گرفته‌ایم تمام درآمد‌های حاصل از این فیلم صرف درمان بچه‌های سرطانی شود. این اتفاق تا حالا برای هیچ فیلمی و در هیچ جای دنیا نیفتاده است. این هدیه نه از طرف گروه سازنده‌ی «ماهان»، که از طرف سینمای ایران به بچه‌های سرطانی است. با توجه به مشکلات اقتصادی موجود، سهم مردم در کمک به این بچه‌ها کم شده، و مهم‌ترین انگیزه‌ی ساخت «ماهان» جبران این سهم بود. خیلی به رقابت فکر نمی‌کنیم، چون در هر حال کسانی که فیلم‌ها را داوری می‌کنند بر اساس سلیق خودشان این کار را می‌کنند.»

نیت کرده‌ایم درآمد ماهان صرف کودکان سرطانی شود

شاهحاتمی با نوید اهدای فیلم «ماهان» به کشورهای دیگر بیان می‌کند «قرار گذاشته‌ایم جلسه‌ای با سفیران کشورها داشته باشیم و فیلم را از طرف هنرمندان سینمای ایران به سایر کشورها تقدیم کنیم تا آن را به هر نحوی که می‌توانند در کشورشان نمایش دهند و درآمدش را صرف درمان کودکان سرطانی کنند. شاید مبلغ زیادی نباشد، اما حرکتی است که توجه فیلمسازان ایرانی و سینمای ایران را به آدم‌های دردمند و مشکلاتی که در جهان وجود دارد، جلب کند. امیدوارم این روند در سینمای ایران ادامه پیدا کند. چون هنرمند متعلق به مردم است و مشکلات مردم نباید از نگاه هنرمند دور بماند. چند وقت پیش کلیپی در تلویزیون دیدم که پدری برای درمان بچه‌ی سرطانی‌اش مجبور بود کلیه‌اش را بفروشد. به نظر هنرمندان با دیدن این صحنه کاملاً به هم می‌ریزند. نباید منتظر باشند دولت‌مردان کاری بکنند. چون اگر دقت کنید تمام مؤسساتی که در خدمت این قشر هستند مردم‌نهادند.»

نمی‌گذارد. فیلمساز با نگاه خودش به جشنواره می‌آید و با نگاه خودش از آن خارج می‌شود. اینکه جشنواره بتواند نگاه فیلمساز را نسبت به ژانر موردعلاقه‌اش تغییر بدهد تقریباً محال است، مگر در مورد جوانان و بعضی از دوستان، که باز هم به نظر هر سال این اثرگذاری کمتر می‌شود.»

سینما را مخاطب تعریف می‌کند

این فعال سینما با آرزوی موفقیت برای فیلمسازان جوان می‌گوید «احساس می‌کنم فیلم‌اولی‌ها رشد خوبی داشته‌اند. در میان فیلمسازان جوان، فیلمسازانی را می‌بینیم که فیلم‌های شاخصی ساخته‌اند و با فیلمسازان قدیمی رقابت می‌کنند. در فضای دیجیتالی موجود، با بهره‌مندی جوانان از سینمای جهان و تمرکز بر فیلم‌های روز جهان و نیز توجه به مسائلی که جامعه به آن مبتلاست، می‌توان آینده‌ی خوبی را برای فیلمسازان جوان انتظار داشت و احتمالاً شاهد کارهای جذابی از این فیلمسازان در جشنواره خواهیم بود.»

علی شاهحاتمی در پاسخ به اینکه چرا همیشه درباره‌ی آرای مردمی حساسیت خاصی وجود دارد می‌گوید «این کار باید درست انجام شود. در هر حال سینما متعلق به مردم است. سینما را مخاطب تعریف می‌کند نه نقدهایی که به فیلم می‌شود. طبیعتاً بعد از جشنواره قرار است فیلم به شکل‌های مختلف اکران شود و این مردم هستند که از فیلمی استقبال می‌کنند یا نمی‌کنند. خیلی مهم است مردمی که فیلم را می‌بینند رأی بدهند، نه از نظر تکنیکی و فنی، بلکه بیشتر از نظر محتوایی بتوانند فیلمی را که دوست دارند انتخاب کنند.»

باید به ثبات در جشنواره فجر نائل شویم

شاهحاتمی که بعد از حدود ۱۰ سال به جشنواره‌ی فجر بازگشته معتقد است «جشنواره باید از بخش دولتی خارج شود و به صورت خصوصی برگزار شود؛ یعنی بانیان جشنواره، اهالی سینما باشند. چون در طول سال‌ها دیده‌ایم که سیاست‌های مختلفی که دولت‌مردان داشته‌اند، بر جشنواره، انتخاب فیلم‌ها و اعطای جوایز تأثیر گذاشته است. به نظر من باید جشنواره را سپرد به اهالی سینما. آنها می‌توانند جشنواره را به راحتی برگزار کنند و پاسخگوی مسائل و حواشی آن باشند. در این صورت فیلمسازان هم راحت‌تر با مقوله‌ی انتخاب فیلم‌ها و اعطای جوایز برخورد می‌کنند. برگزاری جشنواره برای دولت دردرس است؛ بهتر است دولت از زیر این بار که برآیندش گاهی نقدهای بسیار تند و گاهی مشکلات و مسائل فرعی است، شانه خالی کند. اگر مثل تمام دنیا، جشنواره دبیر و تیم ثابتی داشته باشد، می‌تواند به روند جشنواره و کاهش نقدهای هر ساله‌ی هنرمندان به جشنواره، کمک کند.»



تهیه‌کننده/علی شاهحاتمی
کارگردان/حمیدشاهحاتمی

گفت و گو با حمید شاهحاتمی کارگردان فیلم ماهان

ما نسلی هستیم که با جشنواره فجر به سینما علاقه مند شدیم

هم سرمایه‌گذار برای ساخت فیلم بعدی راغب می‌شوند. خودانتقادی همواره باعث می‌شود که گام بهتری به سوی آینده برداریم. بی‌گمان تجارب این چهار دهه مفید و ارزشمند است، اما عدم‌ثبات در هر دوره باعث رویکرد سلیقه‌ای شده. معتقدم رویکرد محتوایی در جشنواره می‌تواند برای فیلمساز و فیلم، اتفاقات ناخوشایندی را به همراه داشته باشد. ضمناً قرار نیست یک جشنواره دربرگیرنده‌ی همه‌ی جریان‌های سینمای ایران باشد. در واقع هیچ جشنواره‌ای در دنیا نمی‌تواند ویرترین سینمای آن کشور باشد.»

فیلم دیدن با مردم لذتبخش است

حمید شاهحاتمی با ذکر این نکته که جشنواره‌ی فجر در علاقه‌مند شدن سینماگران به سینما مؤثر است، می‌گوید «بسیاری از سینماگرانی که امروز در جشنواره فیلم دارند، نسلی هستند که با جشنواره‌ی فجر به سینما علاقه‌مند شده‌اند. جشنواره محل بحث و چالش بوده و هست. به نظر همه‌ی ما فیلم‌سازیم که مردم ببینند و اتفاقی از این خرسندکننده‌تر نیست که مخاطب وسیعی از قشرها و طبقه‌های مختلف به تماشای فیلم ما بنشینند. جشنواره‌ی فجر از این منظر بسیار مهم و فراگیر است.»

مردم شانه‌ی شانه منتقدان نظر می‌دهند

شاهحاتمی درباره‌ی تفاوت سلیقه‌ی مردم و منتقدان در حوزه‌ی سینما می‌گوید «هر فیلمساز و نویسنده باید در ابتدا فیلم خودش را بسازد. نه برای جذب مردم و نه سلیقه‌ی منتقدان؛ چون در هر دو شکل در دام کلیشه‌های رایج می‌افتد. تجربه هم نشان داده که



حمید شاهحاتمی با کارگردانی فیلم «ماهان» در این دوره از جشنواره حضور دارد. فیلمی که تهیه‌کنندگی آن را علی شاهحاتمی بر عهده دارد. با او درباره‌ی جایگاه جشنواره در چهل‌سالگی این رویداد گفت‌وگو کردیم. کارگردان فیلم ماهان درباره‌ی اینکه جشنواره‌ی فیلم فجر در چهلمین سال برگزاری خود تا چه حد به بلوغ رسیده است، می‌گوید «به نظر از نقطه‌ی مطلوب و استاندارد یک جشنواره در مقیاس جهانی یک مقداری فاصله داریم. مسأله‌ی بازاریابی و فروش فیلم در جشنواره بی‌رمق است. در حالی که در نمونه‌های مشابه فرنگی، علاوه بر نمایش، به آینده‌ی یک فیلم تا چندین سال بعد اندیشیده شده و درآمدزایی فیلم آغاز می‌شود. حضور تلویزیون‌ها و کمپانی‌های پخش مؤید این گفته است. هم فیلمساز و تهیه‌کننده و

ویژه چهارمین جشنواره فیلم فجر

چهارمین

ح





ضمناً جایزه‌ای که از مردم می‌گیری همیشه شیرین و به‌یادماندنی است. اما این مسأله را که این سیم‌رغ، محل حساسیت باشد درک نمی‌کنم. ای کاش بیاموزیم که جشنواره محل هم‌اندیشی و ارتباطات دوستانه برای آثار بعدی و همکاری‌های بیشتر است، نه محلی برای نزاع و رقابت.»

شاهحاطمی درباره‌ی ابعاد و میزان پیشرفت سینمای ایران معتقد است «از لحاظ دانش ساختاری بسیار به‌روز شده‌ایم و پیشرفت داشته‌ایم، اما از نظر سخت‌افزار و امکانات در مضیقه هستیم. با مشاهده‌ی پشت صحنه سینمای جهان متوجه می‌شویم از نظر صدابرداری، ابزار حرکتی، دوربین و پس از تولید، چه قدر با استانداردهای جهانی فاصله داریم. تخصص‌گرایی در سینمای ایران در تقسیم نیروی کار هم باید با دقت‌نظر بیشتری اتفاق بیفتد. اما از حیث فیلمنامه و پرداخت (کارگردانی) به نظرم با توجه به محدودیت‌های موجود، بسیار خلاق و کارآمد هستیم.»

او با شرح این نکته که فیلمسازی در شرایط فعلی و با حضور مدیاهای مختلف تصویری بسیار دشوار شده، عنوان می‌کند: «سریال‌ها جای فیلم‌های سینمایی را گرفته‌اند، اما تجربه نشان داده سریال‌ها بر اثر کثرت از ذهن می‌روند و آنچه باقی می‌ماند، اندیشه و نگاه در یک فیلم سینمایی است. به هر حال باید جهان نو را پذیرفت. مهم حرفی است که می‌خواهی بزنی و اگر باهوش باشی، بهترین مدیا را برای آن انتخاب می‌کنی.»

فکر کنم در همه رشته‌ها حرف برپا گفتن داریم

حمید شاهحاطمی در انتها با دفاع از گروهش در فیلم «ماهان» می‌افزاید «فکر می‌کنم در همه‌ی رشته‌ها قابل‌دفاع باشیم. اگر نگاه‌مان این طور نبود، فیلم را برای جشنواره نمی‌فرستادیم. اگر فیلمنامه را که شاعرانه و لطیف بود دوست نداشتیم، فیلم را شروع نمی‌کردم. سعی کردم در کارگردانی از سکوت و سردی فضا با یک انسجام کلی پلان بگیرم. صدابرداری به‌روز معاونیان را بسیار دوست داشتم. در فیلمبرداری از لنزهای آنامورفیک استفاده کردم که تجربه‌ی تازه‌ای در سینمای ایران بود. دوربینم جغرافیای ایران را تا حد توانش نشان داد.»

هر فیلمساز و نویسنده‌ای بر اساس تجارب اجتماعی و زیستی خود فیلم ساخته، فارغ از استقبال جشنواره و منتقد، ثمربخش بوده و هر دو طیف هم راضی بوده و تمجید کرده‌اند. به نظرم مردم در حال حاضر شانه به شانه‌ی منتقدان درباره‌ی فیلم‌ها نظر می‌دهند. اما همیشه نمی‌توان گفت سلیقه‌ی مردم درست است و موضوعی را که جواب داده مدام امتحان کنیم. به ورطه‌ی تکرار افتادن، آسیب بزرگی است.»

سینما همیشه به تازه نفسها نیاز دارد

کارگردان جوان فیلم «ماهان» معتقد است «جشنواره‌ی فجر و فیلمسازها هر دو بر هم‌دیگر اثر دارند. اما همیشه فیلم‌های تأثیرگذار که با اقبال در جشنواره مواجه شده، در سال‌های بعد باعث تأثیرپذیری و الهام‌بخشی برای آثار فیلمسازان دیگر بوده است.» وی همچنین درباره‌ی حضور درخشان فیلمسازان جوان در سینما می‌گوید «به نظرم سینما همیشه به تازه‌نفس‌ها احتیاج دارد. اگرچه در سینما هر وقت فیلم می‌سازی، باید این احساس را داشته باشی که این اولین فیلم توست و با همان طراوت و شادابی پشت دوربین قرار بگیری. من به سینمای ایران امیدوارم؛ چون نسل جدید با بهره‌گیری از سینمای روز جهان، خودش را به‌روز کرده و جسورانه می‌خواهد فیلم بسازد.»

باید فضاهای متفاوت را در سینما تجربه کنیم

حمید شاهحاطمی درباره‌ی ضرورت تنوع ژانر در سینمای ایران می‌گوید «به شدت نیاز داریم که فضاهای متفاوت را تجربه کنیم. سینما به شدت درگیر یک‌جانبه‌گرایی فرمی و محتوایی شده و شیوه‌ی روایت و پرداخت‌ها هم شبیه به هم هستند. سینما وظیفه‌ی تخیل‌سازی دارد. جای فیلم‌هایی با ژانر بیوگرافی، سلامت و بهداشت، ورزشی، سورئال و... در سینمای ما خالی است.»

جشنواره را بیشتر محلی برای دوستی می‌بینم نه رقابت کارگردان فیلم «ماهان» که پیش از این، کارگردانی فیلم «رؤیای سینما» را نیز بر عهده داشته است، با تأکید بر لزوم تقویت فضای تعاملی در جشنواره، اهمیت آرای مردمی را این‌طور توصیف می‌کند «به هر حال آرای مردمی می‌تواند بر فروش فیلم در آینده تأثیر بگذارد.

این کار از طرف خدا به من سفارش شده بود

او مخاطب با فیلمش ارتباط برقرار می‌کند یا خیر، بیان کرد: «جدا از شیوع ویروس کرونا و محدودیت رفت‌وآمد و بودجه، روند ساخت و تولید این اثر بسیار سخت بود. اگر فیلم من با مخاطب ارتباط برقرار کرده باشد یعنی کارم را درست انجام داده‌ام و اگر نه که نیاز به توضیح اضافه‌ای نمی‌بینم.»

وحید رحیمیان گفت: «حضور در کار جدی یا کم‌دی برای بازیگر تفاوتی ندارد چراکه ذات بازیگری همان است و تغییر نمی‌کند. البته من در ابتدا فکر می‌کردم که نقشی کم‌دی دارم و بعدها فهمیدم که نقشم جدی است.»

حمید شاه‌حاتمی درباره چرایی بی‌میلی حضور در جشنواره، عنوان کرد: «حضور در جشنواره انتخاب من نیست و به تصمیم تهیه‌کننده بازمی‌گردد. فیلمبرداری کار را من نقطه قوت اثر می‌دانم.»

هادی لطفی طراح گریم درباره علت تغییر رنگ موی بازیگر نقش اول بیان کرد: «چون می‌خواستیم فیلم امیدبخش باشد نخواستیم موی بازیگر را بتراشیم. اما متأسفانه به دلیل طولانی شدن روند فیلمبرداری راکورد رنگ مو از دستمان خارج شد.»

هامون قابچی نویسنده فیلم نیز درباره روند تغییر شخصیت بیان کرد: «روند تغییر شخصیت در درام ایجادگر جذابیت قصه است. این روند تغییر در بیمار سرطانی و کاراکتر «ماهان» بیشتر هم به چشم می‌آید و می‌بینیم که در این سفر مکاشفه‌گر شخصیت کاراکتر دستخوش تغییر می‌شود.»

حمید شاه‌حاتمی درباره دلیل طولانی شدن فیلمش گفت: «به دلیل طولانی شدن فیلم مجبور به حذف بسیاری از پلان‌ها شدیم و به کار آقای بهزادپور که تدوینگر ما بودند اعتماد کردیم و تلاش کردیم دیگر به تدوین ایشان دست نبریم.»

علی شاه‌حاتمی درباره کم شدن حضور کودکان سرطانی در فیلم گفت: «یکی از مهم‌ترین معضلات ما این بود که

حمید شاه‌حاتمی کارگردان فیلم ماهان در نشست خبری این فیلم در جشنواره فیلم فجر درباره قضاوت و دیدن این فیلم بیان کرد: «به‌نظرم برای قضاوت باید تمام زوایای آن را در نظر گرفت. این اثر براساس قصه‌ای واقعی است و ما تلاش کردیم به قصه وفادار بمانیم و نگاه ما به فیلم مستند داستانی باشد و فکر می‌کنم موفق شده باشیم.»

نگار جوکار بازیگر فیلم سینمایی «ماهان» نیز درباره لذت بردن از این کار، بیان کرد: «صداصد از تماشای فیلمم بر پرده لذت بردم. من تازه وارد سینما شدم و بودن در این اثر برای من تجربه‌ای بزرگ بود و درس‌های زیادی آموختم.»

همچنین علی شاه‌حاتمی، تهیه‌کننده فیلم درباره «ماهان» بیان کرد: «هزینه ساخت این فیلم چیزی در حدود ۳ میلیارد تومان بود. این فیلم که با لنز آنامورفیک فیلمبرداری شده حاصل چند ماه کار و طی کردن مسیری حدوداً ۲۵۰۰۰ کیلومتری بود.»

هامون قابچی، نویسنده فیلم درباره به تصویر کشیدن عارضه سرطان اظهار کرد: «تلاش ما این بود که چهره زشت سرطان را نشان ندهیم تا اگر بیماری مبتلا به سرطان به تماشای فیلم نشست احساس بد بر او مستولی نشود.»

حمید شاه‌حاتمی در ادامه گفت: «الزاماً فکر نمی‌کنم که فیلم من بهتر از دیگر آثاری است که بیرون مانده‌اند. تنها سلیقه هیات انتخاب به کار من نزدیک شده بود.»

علی شاه‌حاتمی درباره سفارشی بودن فیلم «ماهان» بیان کرد: «این کار از طرف خدا به من سفارش شده بود و آن را ساختم. خیلی بد است که خبرنگاری این فیلم که سراسر امیدبخش است را سفارشی بدانند.»

هامون قابچی نویسنده فیلم درباره عوامل فیلم گفت: «در انتخاب کار سعی کردیم از بازیگران تازه‌نفس استفاده کنیم و باتوجه به سابقه امیررضا نظری در تئاتر، ایشان یکی از انتخاب‌های اصلی ما بود.»

حمید شاه‌حاتمی در پاسخ به این سوال که آیا از دید





فیلم را به جشنواره ارائه دهیم و توقع پذیرفته شدن را نداشتیم. با دستمزد یک بازیگر فیلم جاده‌ای ساختن کار راحتی نیست. باید بگویم من دخالتی در حضور فیلم در جشنواره نداشتیم و می‌دانم که هیات انتخاب با اتفاق آرا به حضور «ماهان» در جشنواره رای دادند.»

علی‌شاه‌حاتمی در ادامه این صحبت‌ها تصریح کرد: «شاید باید بعد از جشنواره جلسه محاکمه‌ای برای هیات انتخاب برگزار کرد و پرسید برای چه این فیلم در جشنواره حضور دارد. هر سال از این قبیل چالش‌ها در جشنواره به چشم می‌خورد اما باید بدانیم که ما قاضی نیستیم و نباید خودمان را جای هیات انتخاب یا هیات داوری گذاشت.»

شاه‌حاتمی در پاسخ به این سوال که آیا به انتقادات پاسخ می‌دهد یا خیر بیان کرد: «من به نقدهای مخاطب اهمیتی نمی‌دهم چون خودم به ایرادات فیلم خودم واقف هستم. قرار گرفتن در شرایط سخت باعث می‌شود که به کمتر از چیزی که در ذهن داریم رضایت دهیم.» رونیکا بهرام‌زاده‌ف بازیگر خردسال نقش کیوتر درباره حضور در «ماهان» اظهار کرد: «خوشحالم که افتخار همکاری با این گروه را داشتم. بچه‌هایی که در بیمارستان بستری می‌شوند روزهای سختی را می‌گذرانند و وقتی خودم بستری شدم این حس را دریافت کردم. امیدوارم هیچ انسانی مریض نشود.»

او ادامه داد: «یک خاطره جالب از فیلم اینکه ما در چابهار با امیررضا نظری گوش‌ماهی‌های بسیاری جمع کردیم.» وحید رحمان بازیگر این فیلم در پایان صحبت‌هایش گفت: «من در همه آثار نکته‌ای برای دوست داشتن فیلم پیدا می‌کردم. من نه دوست دارم انتقاد کنم و نه مورد انتقاد قرار بگیرم. برای آثار زحمت کشیده می‌شود و همه فیلم‌ها نکات مثبتی دارند که باید آن‌ها را کشف کرد.»

هامون قابچی نویسنده «ماهان» در پایان نشست گفت: «من از همه عوامل تشکر می‌کنم و دوست دارم بگویم که ۲ روز مانده به شروع فیلمبرداری مادر وحید رحمان فوت کرد اما او خود را به جلسات فیلمبرداری رساند و دوست دارم بگویم که هیچگاه لطف او را فراموش نخواهیم کرد.»

”

جدا از شیوع ویروس کرونا و محدودیت رفت‌وآمد و بودجه، روند ساخت و تولید این اثر بسیار سخت بود. اگر فیلم من با مخاطب ارتباط برقرار کرده باشد یعنی کارم را درست انجام داده‌ام و اگر نه که نیاز به توضیح اضافه‌ای نمی‌بینم

“

کار در زمان شیوع ویروس کرونا فیلمبرداری شد. قرار بود که بچه‌های سرطانی در فیلم ما بازی کنند که به دلیل شرایط کرونایی میسر نشد و در نتیجه بخشی از فیلم به دلیل فضای بیماری حاکم بر کشور لطمه خورد.»

مهدی ایل‌بیگی، فیلمبردار «ماهان» درباره نحوه فیلمبرداری عنوان کرد: «مدتی از فیلمبرداری کار گذشته بود که من به گروه پیوستم. به جز چند لوکیشن خاص باقی لوکیشن‌ها همه در اینترنت قابل مشاهده است و ما به تصویری که می‌خواستیم فیلم بگیریم از پیش فکر می‌کردیم. این اولین بار برای من بود که از لنز عریض آنالوژیک استفاده می‌کردم و برایم جدید و جذاب بود. ما محسور طبیعت جذاب کشور شدیم و خوشحالم توانستم برای معرفی جاذبه‌های طبیعی کشور قدمی بردارم.»

حمید شاه‌حاتمی در مورد ایرادات فیلم گفت: «من هم به ایرادات فیلم خودم واقف هستم. ما تصمیم گرفتیم



یادداشت هامون قاپچی، نویسنده‌ی
فیلمنامه و بازیگردان «ماهان»

من هنوز زنده هستم



هامون قاپچی با نویسندگی و بازیگردانی فیلم «ماهان» در این دوره از جشنواره حضور دارد. فیلمی که کارگردانی آن را حمید شاه‌حاتمی و تهیه‌کنندگی‌اش را علی شاه‌حاتمی بر عهده دارد. وقتی از سرطان حرف می‌زنیم از چه حرف می‌زنیم؟ در جایی از فیلم وقتی ماهان (با بازی امیررضا نظری) شخصیت اصلی فیلم «ماهان» در مطب دکتر (که نقش آن را همایون ارشادی بازی می‌کند) نشسته و با چشمانی مملو از ترس و خشم از سرنوشت محتوم خویش بر اثر ابتلا به سرطان آگاه می‌شود، دکتر به او می‌گوید: «اسم سرطان از خودش ترسناک‌تره!».

انسان بیش از موجودات زنده‌ی دیگر در جهان «مرگ‌آگاه» است؛ برای همین می‌خواهد جاودانه بماند و به هنر می‌رسد. هنر صدای نامیرایی انسان در پهنی تاریخ برای پنهان کردن ترس و ناشناخته‌هایش است. از سنین کودکی، فراق و از دست دادن را تجربه و معنای نبودن را لمس می‌کند. ای بسا که لحظات زیادی از عمر خویش را در تداعی یک لحظه که نام آن مرگ است، می‌گذراند.

در حین تحقیق پیش از نگارش فیلمنامه با چند بیمار مبتلا به سرطان به گفت‌وگوهای مفصلی نشستیم و با مشاهده‌ی همه‌ی آنها دریافتم که انسان‌ها هنگام مواجه شدن با سرطان، مسیری متفاوت با گذشته‌ی خود را در پیش می‌گیرند. این شکل از تغییر در رفتارهای فرد بیمار، هم به صورت پویا و سازنده و هم به شکل منفعل و مأیوس جلوه می‌کند. رفتارهای متناقض در فرد بیمار ناشی از عوارض شیمی‌درمانی، استرس و اختلال، شخصیت متفاوتی از فرد می‌سازد. در مسیر مشاهده‌ی تجارب بیماران مبتلا به سرطان عده‌ای تولد دوباره یافته بودند.

مردی در ۴۵ سالگی پس از آگاهی از ابتلا به سرطان، نقاشی را آغاز کرد؛ کاری که سال‌ها به دلیل مشغله‌های گوناگون، فرصت آن را از دست داده بود. دیگری سفر را انتخاب کرد و یکجا نشست. در واقع همگی سعی کردند با تغییر شیوه‌ی زندگی، بیماری را به عقب برانند.

ترس، آغاز فروپاشی انسان در تمامی مراحل زندگی قلمداد می‌شود. یک روز وقتی با حمید شاه‌حاتمی به بیمارستان مخصوص کودکان سرطانی رفته بودیم تا با بیماران مبتلا به سرطان دیدار کنیم، صحنه‌های دهشتناکی دیدیم که قلبمان را آزد. دردناک‌تر، والدین بیمارانی بودند که سیلی حقیقت را با برجمی لمس کرده بودند و نمی‌توانستند دم برآورند. اما آن سوی حال خراب‌شان، نمایش یک روحیه‌ی درخشان و امیدوار بود؛ نمایشی که روی هیچ صحنه‌ای و جلوی هیچ دوربینی به تصویر

در نمی‌آید. آنها به طبیعت و جبرش دهن‌کجی و با امیدواری برای زنده ماندن فرزندان‌شان تلاش می‌کردند؛ گزینه‌ای که نامش بقاست. زندگی یک رنج مُدام است. در این شکی نیست. اینکه چگونه این لحظات پر از رنج را رنگ‌آمیزی کنی اهمیت دارد. همیشه این جمله‌ی استیو مک‌کوئین در فیلم «پاپیون» که در انتهای فیلم سوار بر گونی سیب‌زمینی در دل اقیانوس، بلند فریاد می‌زند: «من هنوز زنده هستم!» جانم را جلا می‌دهد. «پاپیون» تن به انقیاد و مرگ نمی‌دهد و در انتظار پایان نمی‌نشیند.

اگر جان کلامی در فیلم باشد آن لحظه‌ای است که ماهان می‌گوید می‌خواهد با آدم‌های بیشتری حرف بزند و تک‌تک طلوع‌ها و غروب‌ها را ببیند؛ همین طلوع و غروب ساده که هر روز پیش روی ماست و انگار که هیچ وقت نیست.

ایده‌ی اصلی فیلم بر اساس یک تجربه‌ی واقعی در میان یک زوج (زن و شوهر) شکل گرفت که با آگاهی از ابتلای مرد به سرطان، با پشت سر گذاشتن فراز و نشیب‌هایی در زندگی، تصمیمی بزرگ و یک‌سر انسانی می‌گیرند. آن قدر نگاه این دو به زندگی برای ما دلنشین بود که احساس کردیم قابلیت تبدیل شدن به یک فیلم زیبا و شاعرانه را دارد. ماهان و آفرین، هنوز برای من زنده هستند و زنده می‌مانند. گاهی اوقات به خودم می‌گویم. الان کجا رکاب می‌زنند؟ در پهنی کدام شالیزار؟ کدام ساحل؟ کدام کویر؟ آنها هنوز با من زندگی می‌کنند؛ چرا که برای زنده ماندنشان در متن تلاش کردم، برای اینکه عشقشان بماند، رؤیاهایشان بماند. شبی در حین نوشتن فیلمنامه در یک گفت‌وگوی ذهنی با ماهان (شخصیت اصلی فیلم) به او گفتم: «هر وقت که مرگ در می‌زند، می‌توانی او را دست بیندازی و با او شوخی کنی، و رها در آغوش مرگ، از لحظات زندگی لذت ببری. مرگ همین جاهاست. پیش من و تو...».

در نشست نکوداشت دکتر عالمی مطرح شد

مرحوم عالمی پایه‌گذار شکل نوین آموزش سینما بود

بود و به ما گفت سینمای آنالوگ مرد و باید دیجیتال را کامل بشناسید چرا که جهان دیگری در حال شکل گرفتن است.»
او افزود: «دکتر عالمی از دهه شصت برنامه‌های متعددی را در صدا و سیما آغاز کردند و من افتخار داشتم که به‌عنوان مهمان در آن برنامه‌ها حضور داشته باشم.»
امیرحسن ندایی با اشاره به اینکه عالمی هنرهای دیگر مثل موسیقی و نقاشی را خیلی خوب می‌شناخت، عنوان کرد: «او می‌گفت اگر قصد معرفی من را داشتید بگویید عالمی معلم بود. او پایه‌گذار شکل نوین آموزش سینما بود.»

امیرحسن ندایی عضو هیئت علمی دانشگاه در نشست تخصصی «نکوداشت زنده‌یاد اکبر عالمی» تحت عنوان «آموزش ماندگار در سینما» ابتدای این عنوان کرد: «دکتر عالمی فردی بود که نسل ما را تربیت کرد. من بیش از سی سال افتخار شاگردی ایشان را داشتم. او به من زیستن را آموخت. شاخصه دکتر عالمی این بود که فقط سینما درس نمی‌داد بلکه به ما می‌آموخت که چطور به جهان نگاه کنیم. او می‌گفت پیش از یاد گرفتن سینما باید جهان‌بینی داشته باشید. او به ما عکاسی، لایبراتور و نقد فیلم یاد داد و فردی چند وجهی

رئیس سازمان سینمایی از خانه چهلمین جشنواره فجر بازدید کرد

در حاشیه فجر باید گفتمان شکل بگیرد

رئیس در گفت و گویی با مهر گفت: سازمان سینمایی معتقد است جنس گفتمانی نیاز سینمای ایران است، نباید در جشنواره صرفاً نمایش فیلم و جلسات نقد و بررسی باشد، در آن دوره که من خودم دبیر جشنواره بودم سمینارها و گفتمان‌هایی برگزار کردیم که از آن جمله می‌توان به هالیوودیسم و بیداری اسلامی اشاره کرد. معتقدم در کنار جشنواره این گفتمان‌ها باید شکل گیرد حتی معتقدم باید کلاس‌های آموزشی نیز در طول جشنواره برگزار شود تا یک فضای فرهنگی هنری در کنار فیلم دیدن در جشنواره داشته باشیم.

محمد خزاعی، رئیس سازمان سینمایی پنجشنبه ۱۴ بهمن‌ماه از خانه چهلمین جشنواره فیلم فجر بازدید کرد.
خزاعی ضمن حضور در خانه جشنواره از فضاهای مختلف و روند برگزاری برنامه‌های فرهنگی جشنواره بازدید و از نزدیک در جریان شکل برگزاری این رویدادها قرار گرفت و مسائل و موضوعات موردنظر را با برگزارکنندگان مطرح کرد.
رئیس سازمان سینمایی در ادامه بازدید خود ضمن حضور در غرفه‌ها و استودیوهای متنوع خبری و تحلیلی با اهالی رسانه به گفت‌وگو نشست و به سوالات آنها پاسخ داد.





مرور داوری های اولین دوره رقابتی فیلم فجر
با مهدی حجت

حتی در دوره اول فجر هم محتوازده نبودیم

در دوره اول فجر هم ما آنقدر خام نبودیم یا آنقدر عوامانه به فیلم
ها نگاه نمی کردیم که تحت تاثیر یک فحش دادن به رژیم شاه در
فیلم ها نخواهیم به کسی جایزه بدهیم



گفت و گو

محمد صادق عابدینی

اولین دوره جشنواره فیلم فجر، بدون داوری آثار حرفه ای برگزار شد و عملاً بخش رقابتی جشنواره از دوره دوم آغاز شد. مهدی حجت که سال ها است به واسطه فعالیت در حوزه میراث فرهنگی و شهرسازی شناخته می شود، در کنار چهره هایی چون محمدعلی نجفی، اکبر عالمی، سید محمد بهشتی، مهدی کلهر، سینا واحد و منوچهر عسگری نسب، اولین هیات داوران جشنواره فجر را تشکیل دادند. حجت در گفت و گو با بولتن چهارمین جشنواره فیلم فجر، از نحوه ورودش به سینما و داوری جشنواره فیلم فجر می گوید.

بهمین ۱۳۵۷ بود که من به صداوسیما رفتم. در آنجا همه کارهای صداوسیما از اینکه چه برنامه ای پخش شود، چه چیزی پخش نشود یا چه فیلمی از تلویزیون پخش شود را خودمان مشخص می کردیم. از آن جمع چند نفره که مسئولیت صداوسیما را برعهده گرفته بودیم، سال های بعد هر کس به یک سمت و سویی رفت و وارد مسئولیت های دیگری شد.

شما همزمان وارد مدیریت تئاتر هم شدید؟!

اواخر سال ۵۷ و اوایل ۵۸ بود که مدیرعامل تئاتر شهر شدم و در آنجا با بچه هایی که تئاتر کار می کردند آشنا شدم.

پس در همان سال ها سرتان با مسئولیت های مختلف هنری سرتان شلوغ بوده است؟

من پس از آن باز هم مسئولیت های بیشتری گرفتم، در کنار تئاتر شهر و صداوسیما، در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز مسئولیت گرفتم. دلیل آن همان چیزی بود که اشاره کردم، در آن دوران تعداد افرادی که نظام می توانست به آن ها اعتماد کند خیلی کم بود.

* چه شد که برای داوری جشنواره فیلم فجر دعوت شدید؟ از همان گروهی که پیش از انقلاب با هم آشنایی داشتیم، نجفی و بهشتی و انوار از همان ابتدا در وزارت ارشاد مستقر شدند و امور سینمایی را در دست گرفته بودند. علت پیشنهاد اینکه من داوری را برعهده بگیرم نه صرف آشنایی قدیمی و نه اینکه مثلاً من هنر را بشناسم، بود. شما می توانید یک نقاش خوب باشید ولی در حوزه فیلم هیچ سررشته ای نداشته باشید! در آن دوره چون فلسفه هنر خوانده بودم

بگذارید با این سوال شروع کنم، چه شد که در آن سال ها گروهی از جوانان وارد عرصه مدیریت فرهنگی و هنری شدند؟

اوایل انقلاب تعداد بچه های مسلمان انقلابی که با هنر آشنا باشند خیلی کم بود، یا حداقل تعداد کمی از آنها شناخته شده بودند. از طرفی نظام سیاسی تازه پاگرفته بود و راهی جز اعتماد به افرادی که از قبل از انقلاب به عنوان جوان انقلابی شناخته شده بودند، نداشت.

ولی خب این اعتماد باید دارای یک زمینه ای نیز باشد، مثلاً تحصیلات، سابقه فعالیت و غیره!

من معماری خوانده بودم و با مفاهیم هنر آشنایی داشتم. پیش از انقلاب و در دوره ای که مرحوم علی شریعتی در حسینیه ارشاد سخنرانی می کرد، ما به عنوان جمعی از جوانان مسلمان در زیر زمین حسینیه ارشاد کا های فرهنگی و هنری انجام می دادیم. مثلاً محمدعلی نجفی، در آنجا تئاتر «سربه داران» را اجرا کرد، مرحوم صبحدل اذان می گفت، من هم طرح جلد کتاب های دکتر شریعتی را طراحی می کردم. همان جا بود که با شهید بهشتی و آقای مهندس موسوی که بعدها نخست وزیر شد آشنا شدم. با مهدی کلهر هم بعداً به واسطه اینکه برادرشان یک روحانی شناخته شده بود آشنا شدم.

پس این پیش زمینه باعث شد تا همکاری ها ادامه پیدا کند؟

آشنایی ما با بچه هایی که کارهای فرهنگی انجام می دادند پس از انقلاب ادامه پیدا کرد. فکر کنم روز های ۳۳ یا ۳۴

درباره مسائل نظری هنر ایده و نظر داشتم و با اهالی تئاتر هم آشنایی خوبی پیدا کرده بودم.

در تئاتر با چه کسانی آشنا شده بودید؟

از دوستانی که در آن دوره با آنها آشنا شده بودم، افرادی مثل مرحوم پرویز پورحسینی، داریوش فرهنگ و سوسن تسلیمی بودند. تلاش کردم به عنوان مدیرعامل تئاتر فضای مناسبی را برای کار ایجاد کنم. برای همین وقتی فستیوال تئاتر فجر راه اندازی شد، بچه های تئاتر از من خواستند به عنوان داور در آن حاضر شوم. در آنجا روی پوسترها و طراحی ها نظر دادم، افرادی که حاضر بودند نظرات من را پسندید و متوجه شدم اطلاعات داریم و به همین خاطر برای داوری بینال نقاشی دعوت شدم.

در دوره دوم فیلم فجر انبوهی از فیلم های شعاری و سیاسی حاضر بودند، آیا برای داوری به مشکل برخوردید؟

برای پاسخ به این سوال باید کمی به عقب برگردیم. یعنی به انتهای سال ۵۷ که انقلاب پیروز شده بود و فضا در حال تغییر بود. در آن شرایط امکان تولید فیلم خیلی پایین بود. الان راحت می شود درباره آن دوره صحبت کرد چون از بالا به پایین نگاه می کنیم، ولی شرایط آن روزها طوری نبود که به راحتی بشود فیلم ساخت. خیلی از فیلمسازها ممنوع فعالیت بودند، خیلی ها رفته بودند، بعضی ها هم که مانده

بودند شک داشتند که فیلم بسازند یا نه و اگر فیلم ساخته شود امکان نمایش پیدا خواهد کرد؟! برای همین است که در آن سال ابتدایی فکر کنم بیشتر از چند فیلم ساخته نشد. مثل الان نبود که ۱۰۰ فیلم در اختیار جشنواره باشد و بتواند از بین آن ها بهترین ها را انتخاب کند. ما مجبور بودیم حتی از فیلم هایی که پیش از انقلاب ساخته شده بود استفاده کنیم.

احتمالا در سینما و تلویزیون همزمان مجبور بودید از آثار قبل از انقلاب هم استفاده کنید!

در بین فیلم های قبل از انقلاب آثار خوب هم بود؛ مثل فیلم «سفر سنگ» آقای کیمیایی که قبل از انقلاب ساخته شده بود. در همان دوره که در صداوسیما مسئولیت داشتم، هر روز فیلمسازان قبل از انقلاب می آمدند و فیلمشان را نشان می دادند و پافشاری می کردند که مثلا فلان فیلم یا فلان سکانس را برای ضدیت با شاه ساخته اند و انقلابی هستند!

همین موضوع اصرار فیلمسازان برای نشان دادن انقلابی بودن، برای داوری آثار در دوسر ساز نبود؟

مجموعه ای از بچه هایی که در آن دوره داوری فیلم ها را برعهده داشتند، از نظر عقلی و درک شرایط آنقدر قوی بودند که یک نفر با گذاشتن یک سکانس لگد زدن به رژیم شاه، فیلم خودش را به اسم فیلم انقلابی قالب نکند. ما آنقدر خام نبودیم یا آنقدر عوامانه به فیلم ها نگاه نمی کردیم که تحت تاثیر یک فحش دادن به شاه در فیلم ها قرار نگیریم. یادم هست در آن دوره مرحوم اکبر عالمی که تحصیلات فنی سینما داشت و لابراتوار کار کرده بود، روی نقاط فنی فیلم تاکید زیادی می کرد و ما هم روی محتوا توجه داشتیم.

شرایط داوری ها چطور بود؟

یادم است که سر مسئله محتوای فیلم ها بحث های زیادی می کردیم و روی نکات فیلم دقت زیادی می کردیم. واقعا بحث های خوبی انجام می شد. می توانم بگویم که یکی از خالص ترین دوره های داوری جشنواره فیلم فجر بود. داوری ها بدون باند بازی بود و نگاه نکردیم که فیلم را کدام نهاد ساخته یا چه کسی سفارش کرده. یک داوری خالص داشتیم.

چه اتفاقی افتاد که اولین دوره رقابتی فجر را داوری کردید، ولی پس از آن از سینما دور شدید؟

من دو بار در صداوسیما مسئولیت گرفتم. اول در همان ابتدای انقلاب که عضو شورای سه نفره و پنج نفره اداره صداوسیما بودم. یک بار هم در دوره ای که محمد هاشمی رئیس صداوسیما شد، معاون سازمان شدم. در عین حال از سال ۶۰ به وزارت فرهنگ و آموزش عالی رفتم و تلاش کردم تا سازمان میراث فرهنگی را راه اندازی کنم. مشغله ام در وزارت خانه و صداوسیما و سازمان میراث فرهنگی باعث شد تا از فعالیت های هنری از جمله سینما دور شوم. با آنکه هر وقت توانستم دوباره به فعالیت هنری بازگشت داشته ام. مثل دوره ای که آقای قالیباف شهردار تهران بود و از من دعوت شد تا داور بینال مجسمه سازی و بینال نقاشی شوم.

خب آقای بهشتی هم شرایط شبیه شما داشت، یعنی هم در سینما و هم در میراث فرهنگی مسئولیت داشت!

آقای بهشتی مدت طولانی در فارابی بود، در دوره ای که آقای خاتمی رئیس جمهور شد چون من دیگر نمی خواستم که در میراث فرهنگی بمانم، از من پرسید چه کسی را برای میراث فرهنگی معرفی می کنی، من هم آقای بهشتی را معرفی کردم.

علاقه دارید که پس از چهار دهه دوباره بتوانید در سینما فعالیت کنید؟

امیدوارم که این شرایط مهیا شود.



۹۹

سر مسئله محتوای فیلم ها بحث های زیادی می کردیم و روی نکات فیلم دقت زیادی می کردیم. واقعا بحث های خوبی انجام می شد. می توانم بگویم که یکی از خالص ترین دوره های داوری جشنواره فیلم فجر بود

۶۶





حیثیت نقش منفی

درباره جلال پیشواییان که مهم ترین بدمن سینمای قبل از انقلاب بود



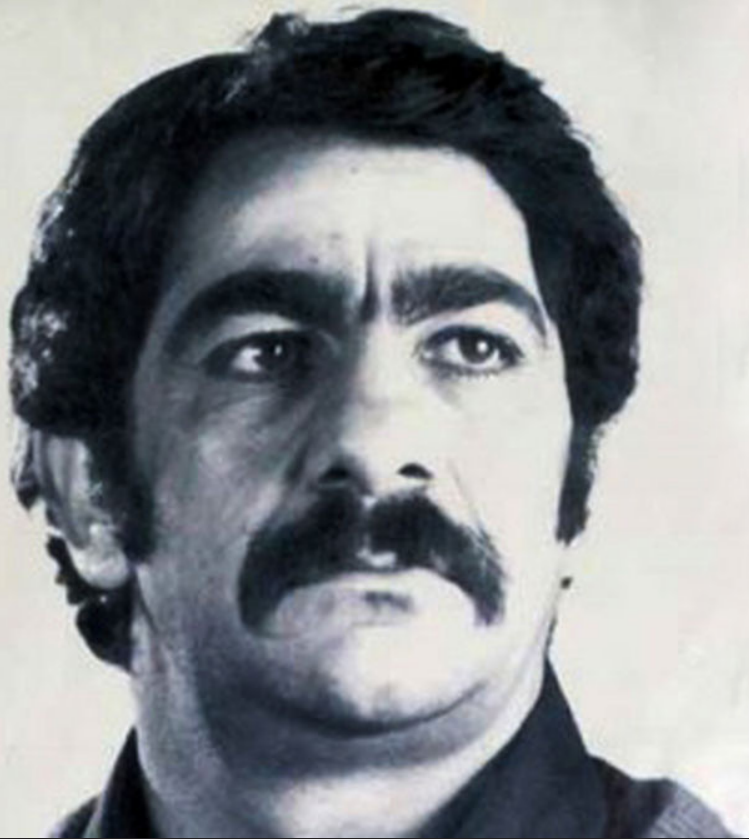
پادبود

سعیدمروتی

از اتومبیل و حرکت خشمگینانه اش به سمت امیر(سعید راد) همان میزانشن دلخواه جلال بود که با در هرم گرما با یقه باز و ابروان در هم فشرده کمر بندش را باز می کرد تا با شتاب به سوی حادثه برود. این همان خشونت بود که جلال آن را وظیفه خود می دانست و به بهترین شکل بروز می داد. در دهه پنجاه که بسیار هم پرکار بود تقریباً در همه نوع فیلمی بازی کرد و موردی را نمی توان به یاد آورد که حضورش ضعیف یا باری به هر جهت باشد و البته باید یادای هم صادق ماهر کرد: صدا پیشه ای که زیاد جای جلال حرف زد و جنس دوبله اش در انطباق کامل با بازی مهم ترین بدمن دهه پنجاه قرار داشت. (در برخی از فیلم ها جلال جای خودش حرف زده از جمله در مشهورترین نقش آفرینی کارنامه اش، منصور آق منگل در فیلم قیصر). برخلاف تصور رایج، جلال نه همیشه بدمن بود و نه همواره نقش های یکسان بازی کرد. کافی است بازی اش در نقش قاچاقچی لال در فیلم «فرار از تله» را به یاد بیاوریم یا حضورش در فیلم «دشنه» (فریدون گله) که تک گویی غافلگیر کننده اش در انتهای درگیری با بهروز وثوقی که نشان می داد او ناجوانمرد قصه نیست. تک گویی



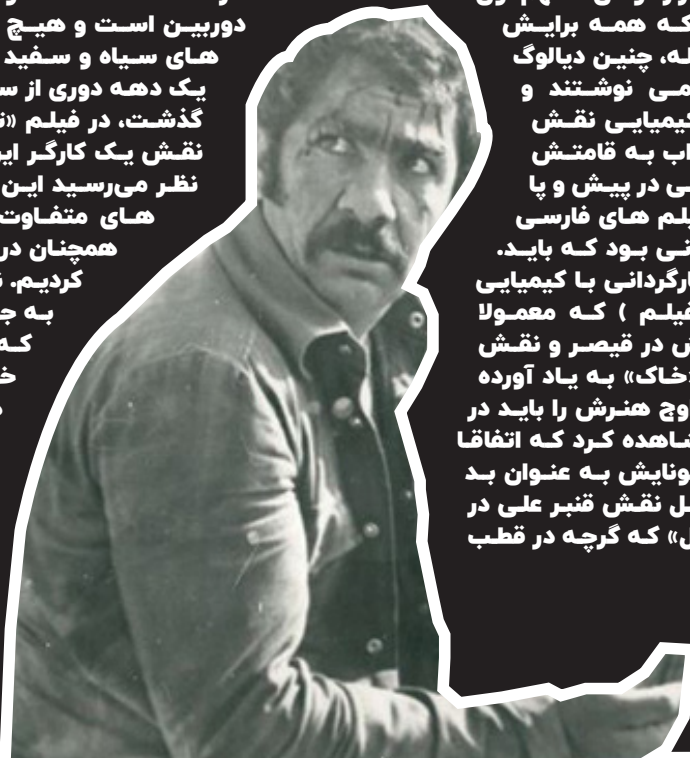
در چند ماهی که قصه جلال تمام شده تقریباً هیچ متن و نوشته کوتاه و بلندی ای را نمی شود سراغ گرفت که در آن اشاره ای به منصور آق منگل نشده باشد. برادران آق منگل فیلم «قیصر» (مسعود کیمیایی) تجسم شرارت در مهم ترین فیلم سینمای قبل از انقلاب بودند: کریم (حسن شاهین)، رحیم (غلامرضا سرکوب) و منصور (جلال پیشواییان) انتخاب هایی درخشان برای قطب منفی ماجرا بودند. بعد از موفقیت همه جانبه «قیصر» همه عوامل فیلم چهره شدند و گل کردند: از جمله جلال که کنار فعالیت در فیلم های متداول فارسی، پای ثابت فیلم های موج نو هم بود. در این زمینه او از دیگر برادران آق منگل، خوش اقبال تر و البته مستعدتر بود. در کارنامه پر حجم جلال، تعداد سیاه و سفید های خاطره انگیز قابل توجه است. در «خدا حافظ رفیق» (امیر نادری) یکی از سه ضلع «رفیق بازان رفیق کشی» بود که سر پول دزدی جواهرفروشی، به جان یکدیگر می افتادند و در «صبح روز چهارم» (کامران شیردل) حضور کوتاهش تجسم همه آن چیزی بود که از او انتظار می رفت. سکانس خروجش



شر ایستاده و جز دارو دسته کاکا رستم (بهمن مفید) است ولی دلش پیش داش آکل (بهرروز وثوقی) است و جلال این دوگانگی را با اجرایی فوق العاده به تصویر کشیده. مثل تغییر چهره اش در مواجهه با کاکا رستم از حالت جدی و مصمم به منفعل و تسلیم با لبخندی از سر استیصال در میانه جمله معروفش: «گهی زین به پشت و... بازم گهی زین به پشت»، جلال پیشواییان در فیلم «خط قرمز» (مسعود کیمیایی) هم نقش کوتاهی دارد که احتمالاً متفاوت ترین حضور او در مقابل دوربین است و هیچ ربطی به آن بد من فیلم های سیاه و سفید ندارد. وقتی بعد از تقریباً یک دهه دوری از سینمای ایران که به مهاجرت گذشت، در فیلم «تجارت» (مسعود کیمیایی) نقش یک کارگر ایرانی مهاجر را بازی کرد به نظر می‌رسید این مقدمه ای بر ایفای نقش های متفاوت است ولی در عمل او را همچنان در نقش های منفی مشاهده کردیم. نقش هایی که البته چیزی به جلال اضافه نکردند. بازیگری که روزگاری خشونت را وظیفه خود می دانست، در دهه های ۷۰ و ۸۰ همچنان منفی و خشن ماند ولی بیشتر با دوره طلایی فعالیتش به یاد آورده شد. بازیگری که در از اواخر دهه ۴۰ تا اواخر دهه ۵۰ به نقش منفی حیثیت و آبرو می بخشید.

ای همچنان در یادها ماند و این روزها هم زیاد نقل می شود: «بسه... بسه دیگه... خون تو اگه بریزه ناحقه! تو عمرم حق کسی رو ناحق نکردم... حق داداشتم می دم اما از اون نامرد تر تو روزگار ندیدم! ما با اسم مون زندگی می کنیم. یادت باشه هر جا رفتی بگی این طرفا ما این قده مردی داریم که سهم نامردا رم می دیم. این چاقو رو هم ببر بده داداشت باهاش خیار پوست بکنه. آخه مال خودشه! جا گذاشته بود تو پشت

ما! اینم ۲۵ هزار تومن، سهم اون نامرد!» البته که همه برایش مثل فریدون گله، چنین دیالوگ های خوبی نمی نوشتند و مثل مسعود کیمیایی نقش متناسب و جذاب به قامتش نمی دوختند ولی در پیش و پا افتاده ترین فیلم های فارسی هم جلال همانی بود که باید. بیشتر از هر کارگردانی با کیمیایی کار کرد (۱۲ فیلم) که معمولا نقش مشهورش در قیصر و نقش غلام در فیلم «خاک» به یاد آورده می شود؛ اما اوج هنرش را باید در فیلم هایی مشاهده کرد که اتفاقاً منطبق با پرسونایش به عنوان بد من نبودند. مثل نقش قنبر علی در فیلم «دش آکل» که گرچه در قطب



سینمای ایران نیروهایش را از دانشگاه نمی‌گیرد

انجام می‌دهد. شرایط زیست سینمای ایران نیازی به دانشگاه نداشته از دهه ۶۰ به بعد افرادی فیلمساز شدند که خیلی‌ها از جمله فیلمسازان انقلابی بودند و بعد وارد دانشگاه شدند، افرادی مانند ابراهیم حاتمی‌کیا که برچسب دانشگاه دارد و فضای دانشگاه را با چشم خود دیده‌اند. او افزود: بدنه سینما با تحصیلات دانشگاهی همخوان نیست و بدنه سینما نیروی خودش را از دانشگاه نمی‌گیرد و ترجیح می‌دهد نیروی خودش را از سیستم خودش انتخاب کند تا از فارغ‌التحصیلان.

شهبازی گفت: همیشه می‌گفتند مدارس سینما درس‌های نظری ندارند اما من بررسی کردم یک مدرسه سینمایی که شناخته شده است همچون دپارتمان «ووچ» که رشته‌های بازیگری، تلویزیون و کارگردانی را دارد، در آنجا هم اقتصاد جامعه‌شناسی به دانشجویان آموزش داده می‌شود چرا که بدنه سینما احساس نیاز به دانشگاه دارد و به آن عمل می‌کند.

این عضو هیئت علمی دانشگاه به بیان اینکه شرح درس‌های ما در سینمای ایران تکراری است، ادامه داد: در دانشگاه سرفصل‌هایی را ارائه می‌دهند که ۵۰ الی ۶۰ سال پیش بوده اما به‌روز شده و اگر امروز هنر دیجیتال اضافه می‌شود و در سرفصل قرار می‌گیرد و دانشجو باید آن را پاس کند. امروز همه چیز دیجیتال است، باید در اجرا موضوعات را برای دانشجویان متفاوت کنیم.

او ادامه داد: شاید در ایران برخی از امکانات آموزشگاه‌ها در دانشگاه‌ها وجود نداشته باشند اما باید خودمان را با جامعه به‌روزرسانی کنیم... آیا ما تولیدات سینمایی بین‌المللی داریم تا آموزش‌هایمان را بین‌المللی کنیم که دانشجویان ما در سینمای کشورهای دیگر کار کنند؟ آموزش ما در حوزه سینما حتی به درد سینماهای خودمان هم نمی‌خورد.

شهبازی گفت: باید بررسی کنید و ببینید آموزش‌های کشوری مثل لهستان چقدر می‌تواند انگیزه ایجاد کند که دانشجو یاد بگیرد چگونه برود و فرصت شغلی در کشورهای دیگر ایجاد کند.

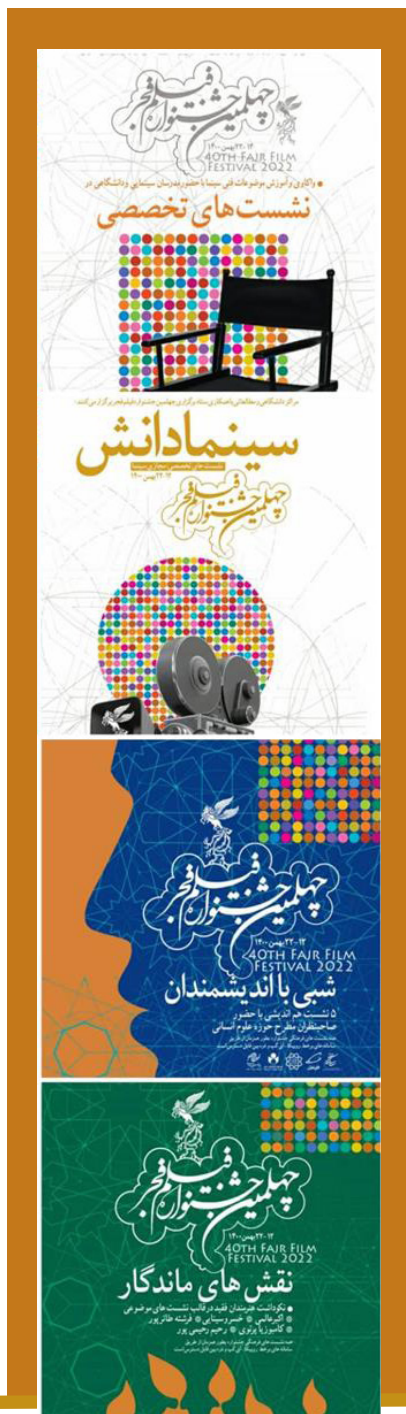
رامتین شهبازی، عضو هیئت علمی دانشگاه سوره در سومین نشست از نشست‌های فرهنگی «سینما دانش» با عنوان «دانشگاه یا مدرسه مسئله این است» گفت: امروز آموزش در حوزه سینما بسیار مهم است و همه تلاش می‌کنند پایه آن را در دانشگاه‌ها فراهم کنند.

وی ادامه داد: مدرسه‌ها در واقع تکالیفشان در دنیا روشن است چرا که کارکردهای آکادمیک ندارند و با سیستم وزارت علوم درگیر نیستند و با وزارت فرهنگ در ارتباط هستند. همچنین آموزشگاه‌های آموزش سینمایی به افرادی رجوع می‌کنند که سر فصل‌های خود را می‌نویسند چرا که زیاد ماندن هنرچوها در آنجا برای هیچکس موثر نخواهد بود.

او با بیان اینکه در دانشگاه داستان تحصیل در رشته سینمایی فرق می‌کند، گفت: مدرک تحصیلی نیاز است و مدرک پشتوانه حقوقی دارد و شما باید سرفصل‌های مشترک را بگذرانید اما اینکه آیا همه آموزشگاه‌ها موفق عمل می‌کنند یا نه نمی‌توان در این رابطه صحبت کرد اما میتوان گفت ۶۰ الی ۷۰ درصد آموزشگاه مبنای اقتصادی برایشان مهم است و برخی هم سودجویی اولویت دارند.

این عضو هیئت علمی دانشگاه به اشاره به اینکه در ایران تا رسیدن به نقطه قله در تحصیل سینمایی فاصله‌های زیادی وجود دارد، گفت: هرچقدر کار خوب انجام دهیم اما دانشگاه‌ها چون باید یک مدرک یکسان بدهند به لحاظ واحدهای درسی باهم بعضی مواقع کمبود داریم. سرفصل‌ها در دانشگاه‌ها قدیمی است اما ما ورود نمی‌کنیم، خود سینما یک امر در جریان است اما سینما در دهه‌ها با هم متفاوت است و تغییرات مملوس شده است.

شهبازی اظهار داشت: سینما به صورت آکادمیک وارد ایران نشده، سینما یک محصول غربی است که به صورت سرگرمی وارد ایران شده و یک تعداد فرد علاقه‌مند وارد رشته‌های سینمایی می‌شوند آموزش می‌بینند و رشد پیدا می‌کنند و مفاهیم تغییر می‌کند اما هنوز ساختار اداری سینما در خودش تغییر نکرده و برحسب گیشه و علاقه مخاطبان تولیدات



کارگردان مستند مشق امشب:

جشنواره فجر فرصتی برای شناساندن سینمای مستند به مخاطب عام است

گزارش

محیا حمزه

مستندسازان این جشنواره تمام تلاش خود را کرده اند نظر مسئولین را نسبت به این موضوع تغییر دهند. جشنواره فیلم فجر مانند هر جشنواره معتبر دیگری ویتترین سینمای ایران و معتبرترین جشنواره فیلم ایران است، هم اکنون اتفاقی که رخ داده این است که به فیلم های مستند نیز نوبت اکران داده اند و امیدوارم مراسم اکران امسال به خوبی برگزار شود.

وی با بیان اینکه فیلم مستند جایگاه و مخاطب خاص خود را دارد، تصریح کرد: مخاطبین مستند با این بخش آشنایی دارند اما در بخش رسانه و اطلاع رسانی ایراداتی وجود دارد، اولین اکران مستند مشق امشب در اروپا بود که سانس های اکران این فیلم به دلیل فرهنگ سازی مناسبی که در خصوص این فیلم ها در آنجا وجود دارد به طور کامل پر می شد در حالیکه این موضوع در کشور ما و در بخش سینمای مستند به خوبی به مردم شناسانده نشده است.

کارگردان مستند مشق امشب ادامه داد: راهکار افزایش استقبال از فیلم های مستند را مسئولان باید ارائه کنند اما فیلم های شاخص مستند در سینمای ایران را باید حتی شده به رایگان اکران کنند تا مردم با این فیلم ها آشنایی پیدا کنند و تبلیغی برای اینگونه فیلم ها باشد. وی اضافه کرد: مستند در جستجوی فریده دو سال گذشته کاندید اسکار شد و آنقدر روی این فیلم تبلیغ بسیار خوبی شد که باعث شد فروش بسیار خوبی پیدا کرده و مردم به خوبی از آن استقبال کنند. همین اتفاق را می توان برای سایر فیلم های مستند نیز تکرار کرد تا مردم عادی بتوانند این فیلم ها را ببینند.

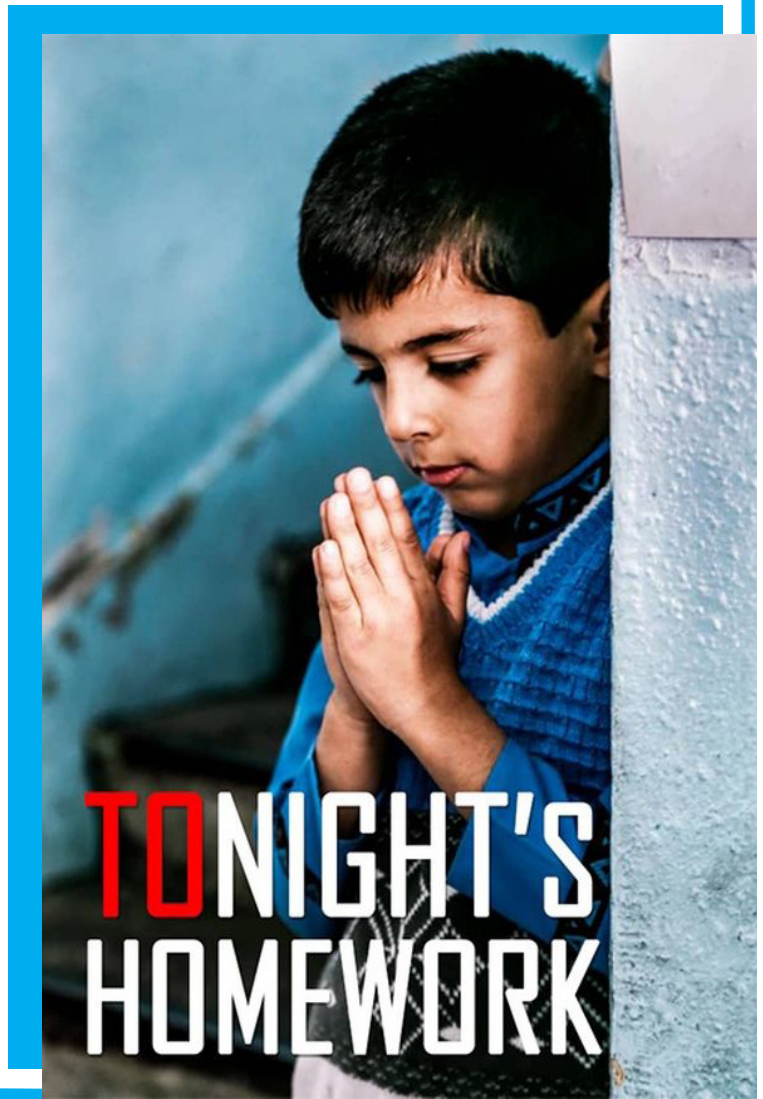
فیلم مستند تبلیغات شهری می خواهد

نجاتی با بیان اینکه جشنواره فجر جشنواره مخاطب عام است، افزود: هم اکنون مخاطب آثار مستند بسیار کم است و لازم است علاوه بر تبلیغات این فیلم ها مسئولان نیز بستر مناسبی برای ساخت فیلم های مستند فراهم کنند. به طور مثال شهرداری با زدن بیلپورد فیلم های مستند در سطح شهر می تواند تاثیر بسزایی در بالابردن مخاطب این فیلم ها داشته باشد.

وی اضافه کرد: هم اکنون فیلم مستند مشق امشب نظر منتقدان را توانسته به خوبی جلب کند و ما بازخوردهای بسیار خوبی از این موضوع گرفته ایم. امیدوارم داوران جشنواره امسال نیز به این فیلم توجه کرده و اتفاقات خوبی برای فیلم بیافتد.

اشکان نجاتی که در این دوره از جشنواره فجر با فیلم مستند مشق امشب حضور دارد از فیلمش و جشنواره فجر سخن گفته است.

کارگردان مستند مشق امشب می گوید: مخاطب عام نسبت به فیلم داستانی آشنایی چندانی با سینمای مستند ندارد بنابراین جشنواره فیلم فجر فرصتی برای شناساندن این نوع سینما به مخاطب عام است. اشکان نجاتی با اشاره به جایگاه فیلم مستند جشنواره فجر، اظهار کرد: رویکرد مسئولین در خصوص سینمای مستند ابتدا رویکرد مناسبی نبود اما





هوتن شکیبا در نشست رسانه ای فیلم ملاقات خصوصی مطرح کرد:

برای نزدیک شدن به نقش به زندان رفتم!

در ادامه شمس درباره ورود از فیلم کوتاه به فیلم بلند بیان کرد: فعالیت در حوزه فیلم کوتاه می‌تواند شرایط را برای ورود به ساخت فیلم بلند، پیدا کردن سرمایه‌گذار و همکاری با عوامل تسهیل کرد. شمس درباره ایده این فیلم سینمایی گفت: ما برای پروژه‌ای کاری در زندان‌ها مشغول به کار بودیم که در آن‌جا شاهد واقعیاتی بودیم که ما را به سمت نگارش این فیلمنامه سوق داد. محله‌ای که در فیلم می‌بینید محل زندگی خود من بود و چون من خودم در جنوب تهران بزرگ شدم؛ دوستان بسیاری داشتم که در زندان بودند و در زیست شخصی خودم شاهد این ماجراها بودم.

امیرحسین قدسی طراح صحنه این فیلم درباره دوری از تجمل در طراحی گفت: هدف ما خلق صحنه‌های سانتی‌مانتال نبود و سعی کردیم با واقعیت آن را تطابق دهیم.

رویا تیموریان بازیگر فیلم درباره همکاری با کارگردان جوانی مثل امید شمس، گفت: من با خواندن فیلمنامه و سناریو متوجه می‌شوم که فیلم ارزش همکاری دارد و یا خیر. من به جوانان امید بسیاری دارم و دیواری میان خودم و آن‌ها

امید شمس کارگردان فیلم ملاقات خصوصی در نشست رسانه ای این فیلم در چهارمین جشنواره فیلم فجر گفت: همه شخصیت‌های این فیلم در شرایطی قرار می‌گیرند که متعلق به آن شرایط نیستند و حالا همگی در زندان با یکدیگر رو به رو می‌شوند.

پریناز ایزدیار نیز درباره شباهت شخصیتش به شخصیت سمیه در فیلم سینمایی «ابد و یک روز» گفت: این فیلم شاید فقط از نظر فضا به «ابد و یک روز» شبیه است اما شخصیت ۲ کاراکتر بسیار از هم فاصله دارند. من با کارگردان کار با تعامل توانستیم به شخصیتی که در فیلم بود، برسیم.



نمی‌بینم و دوست دارم که با آنان همکاری و تعامل داشته باشم. امید شمس آینده درخشانی خواهد داشت.

هوتن شکبیا بازیگر نقش فرهاد در فیلم سینمایی «ملاقات خصوصی» نیز بیان کرد: این کاراکتر بسیار از من دور بود. برای نزدیک شدن به نقش سری به زندان زدم و به تماشای مستندهای مختلف نشستیم. چیزی که برای من نقطه عطف احساسی بود این بود که بعد از کار ما افرادی در این زندان محبوس می‌شوند که به‌لحاظ احساسی حال بد و تلخی داشتند.

قدسی طراح صحنه فیلم نیز بیان کرد: ما به چند زندان رفتیم و با آقایان و خانم‌هایی که مواد به زندان می‌بردند از نزدیک صحبت کردیم تا شرایط را ببینیم. شمس درباره میزان عشق «ملاقات خصوصی» گفت: به این فکر می‌کردیم که کار ما بستری عاشقانه دارد و سعی کردیم از چیزهایی که ما را از این فضا دور می‌کند اجتناب کنیم. باید بگوییم که این فیلم حاصل کاری گروهی است.

امیر بنان تهیه‌کننده این فیلم درباره نحوه همکاری با شمس در «ملاقات خصوصی» اظهار کرد: تابستان پارسال بود که من سناریو را خواندم و امید شمس را هم از سینمای کوتاه می‌شناختم. مدت زمانی طولانی ما منتظر پروانه ساخت بودیم و سازمان سینمایی و ارشاد نکاتی را در جهت بهبود کار به ما یادآوری کردند و من فکر می‌کنم نتیجه کاری خوب شده که مخاطب از آن راضی خواهد بود.

سیاوش چراغی‌پور بازیگر این فیلم درباره نقش یک زندانی اظهار کرد: این فیلم برای من تجربه‌ای بسیار خوب بود. من تا به حال از در زندان هم رد نشده بودم و اگر کسی گذرش به آنجا بیفتد می‌فهمد داخل یک دنیایی جداگانه دارد که برایم جذاب بود.

پریناز ایردیار بازیگر نقش اول زن «ملاقات خصوصی» در پاسخ به این سوال که با داشتن شخصیت ضعیف در فیلم‌های سینمایی روی دور تکرار افتاده است، اظهار کرد: من شخصیت پروانه را ضعیف نمی‌بینم.

شمس نیز در ادامه این بحث گفت: شخصیت پروانه

کنش‌محور، قوی و جسور است و از دید من ضعیف نیست.

ارک مشاور و نویسنده فیلم، گفت: فیلمنامه نقاط غیرمنطقی ندارد. فیلم درباره تغییر شخصیت کاراکتری است که هوتن شکبیا آن را ایفا می‌کند.

در ادامه شعله‌ور تدوینگر فیلم نیز درباره نحوه تدوین «ملاقات خصوصی» بیان کرد: سخت‌ترین قسمت تدوین برای ما کمبود زمان بود که باید اثر را به جشنواره می‌رساندیم و این کمی کار را دشوار می‌کرد و فرصت بازیابی را از ما می‌گرفت.

در ادامه نادر فلاح بازیگر فیلم درباره نقش خود، گفت: خوشحالم که در این فیلم بازی کردم و بابت همکاری با این تیم خوشحالم.

پیام احمدی‌نیا بازیگر فیلم درباره نقش‌اش در این فیلم اظهار کرد: من هم خوشحالی خودم را برای حضور در این اثر ابراز می‌کنم.

ایمان شمس بازیگر این فیلم درباره نقش ورزشکار مردان آهنین گفت: نقش من درباره کسی است که زندگی هدفمندی داشت اما وقتی مسابقه قویترین مردان پخش نشد ضربه خورده و به انحطاط کشیده می‌شود. این اتفاق را در واقعیت دیدم و می‌توانم بگویم نقش خودم را ایفا کردم.

امیرحسین بیات بازیگر فیلم سینمایی «ملاقات خصوصی» در ادامه گفت: من تلاش کردم تا این نقش را به دست بیاورم و کار با کارگردان کار برایم بسیار جذاب بود و تشکر ویژه می‌کنم که به من اعتماد کردند.

آقاکاشی دیگر بازیگر این فیلم در پایان صحبت‌هایش گفت: این فیلم نتیجه کاری گروهی است که تک‌تک عوامل آن بسیار زحمت کشیدند.

امیر بنان تهیه‌کننده فیلم در انتها بیان کرد: از همه عواملی که در طول این فیلم ما را همراهی کردند تشکر می‌کنم.

شمس نیز در پایان صحبت‌هایش گفت: این فیلم به لحاظ ساخت کار سختی بود و از همه کسانی که تلاش کردند مسیر برای ما هموار شود، تشکر می‌کنم.





گفت و گو با کارگردان فیلم ملاقات خصوصی:

سینمای ایران نیاز به تنوع ژانر دارد

گفت و گو

محیا حمزه

و هم جشنواره به فیلمساز اعتبار می بخشد، اظهار کرد: جشنواره فجر مهمترین جشنواره فیلم بلند ایران است و دیده شدن فیلم ها در آن باعث می شود فیلم ها در اکران موفق تر بوده و بیشتر بین مردم دیده شود.

وی تصریح کرد: من به این دلیل که از سینمای کوتاه می آیم آشنایی خوبی با این گونه فیلم ها دارم، طی سال های اخیر فیلم های کوتاه بسیار خوبی از نظر تنوع ژانر و حرفه ای بودن ساخته شده که حتی کیفیت برخی از آنها از فیلم بلند هم بهتر است. این کارگردان ادامه داد: امسال نیز نزدیک به ۹ فیلم اولی در جشنواره حضور دارد که همگی نیز فیلم های خوبی است. این فکر جدید باعث پوست اندازی در سینما می شود و رویکردهای جدید این فیلمسازان می تواند تغییرات اساسی در سینما بدهد که بسیار خوشحال کننده است.

وی اضافه کرد: از نظر ژانر، سینمای محدودی داریم و بیشتر ژانر اجتماعی و کمدی طی این سالها مورد استقبال مردم و مخاطبان بوده است. به صرف تقاضای تهیه کنندگان و مخاطبین این موضوع رخ داده که البته راهی اشتباه است. در فیلم های کوتاه چون فیلمسازان آزادانه و رها به انواع ژانر می پردازند مخاطب آن نیز به مرور زمان بیشتر شده و تهیه کنندگان بیشتر سراغ این فیلمسازان می آیند و باعث می شود سینمای ایران نفس بیشتری کشیده و از تک ژانری خلاص می شود.

شمس با بیان اینکه ارائه ژانرهای گوناگون باعث تغییر ذائقه فیلمسازان و مخاطبان می شود، ادامه داد: شنیده ها حاکی از این است امسال تنوع ژانر بسیار خوبی در جشنواره وجود دارد.

«ملاقات خصوصی» اولین فیلم «امید شمس» است که فیلمنامه آن توسط او و علی سرآهنگ نوشته شده است، شمس پیش از این در عرصه فیلم کوتاه فعالیت داشته و آثارش در جشنواره های داخلی و خارجی حضور موفقی داشته است.

پری ناز ایزدیار، هوتن شکیبا، ریما رامین فر و رویا تیموریان از جمله بازیگران ملاقات خصوصی هستند. گفتگوی ما را با امید شمس می خوانید.

کارگردان فیلم ملاقات خصوصی گفت: رویکردهای جدید فیلمسازان فیلم اولی جشنواره می تواند تغییرات اساسی در سینمای ایران بدهد که بسیار خوشحال کننده است.

امید شمس با بیان اینکه هم فیلمساز به جشنواره



در نشست «واکاوی آموزش عالی و سینما» در خانه جشنواره مطرح شد

ممکن است بهترین کارگردان‌ها بهترین استادها نباشند

پشتوانه، تدریس را رها کرده‌اند. امروز وضعیت تغییر کرده است. دانشگاه باید کسانی را وارد دانشگاه کنند که دانشجوی را جذب کنند. یکی از موارد دانشجوی محوری است که باید مورد توجه قرار گیرد. ما باید سرفصل‌ها را مورد بازنگری قرار دهیم.»

همچنین مهدی ناظمی پژوهشگر سینما و مجری بیان کرد: «اگر بخواهیم دانشگاه‌ها را گلخانه‌ای ببینیم از واقعیت دور می‌مانیم امیدواریم که زمزمه تحول تبدیل به فریاد شود. باید در فرم آموزشی و پژوهشی خود تغییراتی بدهیم.»

عسگری‌نیا با اشاره به اینکه تکلیف ما درخصوص آموزش سینما معلوم نیست خاطرنشان کرد: «نمی‌دانیم می‌خواهیم کارگردان، تدوینگر و غیره تربیت کنیم یا یک نظریه‌پرداز. وزارت علوم اعلام کرد دانشجویهای غیر علوم انسانی در مقطع ارشد وارد حوزه علوم انسانی شوند و بلوایی برپا شد اما در ابتدا باید تکلیف نظر و عمل مشخص شود. مگر قرار نیست که با مقطع تحصیلی تخصص‌گرایی بیشتر شود؟ چرا دانشجویهایی در مقطع ارشد تحویل می‌دهیم که عنوان رشته‌شان عنوانی عمومی است؟ کسانی که سرفصل‌ها را طراحی کردند، اشرافی به موضوع نداشتند.»

او ادامه داد: «ما رشته‌های تخصصی در ارشد نداریم؛ به‌عنوان مثال چرا رشته مستندسازی و مدیریت تولید نداریم؟ اگر ما رشته مطالعات سینما داشته باشیم کسانی که می‌خواهند منتقد باشند می‌توانند وارد این رشته‌ها شوند.»

سید مهدی ناظمی ادامه داد: «برای کسانی که علایق نظری دارند این معضل پیش می‌آید که رشته مختص آن‌ها وجود ندارد. ما باید برای عرصه‌های جدید فضای نظری امکان داشته باشیم. فلسفه سینما قلمرو بزرگی در سینمای جهان است اما ما در دانشگاه‌های فلسفه و هنر این موضوع را نمی‌بینیم.»

فشاد عسگری‌نیا عضو هیات علمی دانشگاه سوره در نشست تخصصی با عنوان «واکاوی آموزش عالی و سینما» که در خانه چهلمین جشنواره فیلم فجر برگزار شد عنوان کرد: «حل مسائل وارد روند پیچیده‌ای شده است و یکی از آن‌ها بروکراسی‌های اداری است. ما در سال ۱۴۰۰ باید درباره سرفصل‌هایی در سینما صحبت کنیم که مصوب دهه شصت است و این دردناک است همچنین در این جریان تنها دانشجوی آسیب نمی‌بیند بلکه استاد هم آسیب می‌بیند؛ زیرا باید با سرفصلی تدریس کند که تاریخ گذشته است. حال سوال اینجاست که ما چه پیشنهادی می‌توانیم داشته باشیم که از این بن‌بست خارج شویم و دانشجوی زمانی که از دانشگاه خارج شد چیزی یاد گرفته و بتواند وارد کار شود. در رشته‌های هنر این وضعیت اسفباری است.»

او ادامه داد: «وضعیت ۲۵ دانشگاه سینمایی را بررسی کرده‌ام، تقریباً هر دانشگاهی که پشتوانه فنی دارد، در بخش حرفه‌ای سینما مشکل دارد؛ کدام دانشگاه ایران دانشجوی را سرصحنه فیلم‌برداری می‌فرستد؟ در دانشگاه‌های معروف دنیا یک کمپانی سینمایی پشت دانشگاه است اما در ایران این رابطه نهادینه نشده و حتی مقاومتی هم در این بین وجود دارد.»

وی افزود: «از آقای خزاعی درخواست کردم فارغ التحصیلان سینما دوره‌های کارآموزی حضور داشته باشند.»

عسگری‌نیا با بیان اینکه برون رفت از وضعیت حاضر، نیاز به اقدامات فراوان دارد اظهار کرد: «دانشگاه باید برای دانشجوی جذابیت ایجاد کند و بهترین افراد را آموزش دهد. ممکن است بهترین کارگردان‌ها بهترین استادها نباشند. دانشگاه باید به‌دنبال کارگردان‌هایی باشد که آموزش‌دهنده خوبی باشند و پشتوانه مناسبی برای آن‌ها در نظر بگیرد.»

وی ادامه داد: «استادانی داشتیم که به‌دلیل نبود



گزارش تصویری



ویژه چهارمین جشنواره فیلم فجر

فاجر

۴۴

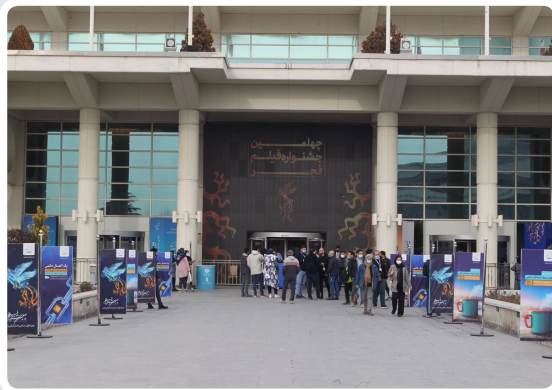


روز چهارم جشنواره

ویژه چهارمین جشنواره فیلم فجر

فاجا

۲۴



امیدوارم سینما دیگر به سمت آپارتمان نرود

فیلم‌های کوتاه این دوره از جشنواره ما را به آینده سینما امیدوار می‌کنند

مداوم باید زایش هم وجود داشته باشد اگر می‌خواهیم سینمای ما و هنرمان همپای ورزشمان همیشه رشد کند باید از هنرمندان، فیلم اولی‌ها و صنعتگران پایه به خوبی حمایت کنیم زیرا اینها امید و آینده سینمای ایران هستند. وی تاکید کرد: به برکت روحیه کادرسازی و عاشقانه پیشکسوتان صنعت سینما نسل‌هایی تربیت شده که می‌توانند این صنعت را به خوبی ادامه دهند.

اقباشاوی در ادامه با اشاره به اهمیت برترین فیلم از نگاه تماشاگران در جشنواره فیلم فجر، افزود: به دلیل اینکه یک سیمرغ تنها به برگزیده فیلم برتر از نگاه مردم داده می‌شود این جایزه بسیار مهم است. این سیمرغ نگاه مردمی با جمعیت حداقل ۵ تا ۶ هزار نفری را دارد. همچنین اکران این فیلم برای نمایش بعد از جشنواره نیز بسیار مهم است زیرا فیلمی بوده که از نظر تماشاگران مقبول واقع شده است و به دلیل تبلیغاتی که توسط خود مردم روی آن میشود فروش فیلم به شکل تصاعدی بسیار بالا می‌رود.

سینمای ژانر در سبد سینمای ایران کم است

داور جشنواره فیلم فجر با اشاره به تنوع ژانر در سینمای ایران، به این نکته اشاره کرد که داشتن تنوع ژانر در سینمای ایران بسیار مشکل است. به طور مثال ژانر کمدی سیاه طوری است به سختی می‌توان روی آن کار کرد اما باید سعی کنیم در این عرصه‌ها تجربه اندوزی کنیم. اصولاً انواع ژانر در سبد کالای سینمای ایران کم است که این هم ناشی از بی‌حوصلگی سینماگران و هم تفکرات و ترس آنها است. مشکل دیگر هم به دلیل مسائل زیربنایی است. سینمای ایران به سمت ملودرام سوق پیدا کرده است درحالی‌که ما باید تنوع ژانر داشته باشیم.

به فیلمسازان شجاعت و ریسک

پذیرتر نیاز داریم وی با بیان اینکه هم‌اکنون برای فضای کلی سینمای ایران موفقیت مهمتر از عشق به سینما شده است، افزود: اگر عاشق سینما و فیلم ساختن باشی اهل ریسک شده، شجاع تر و بی‌محاباتر می‌شوی و سعی میکنی ژانرهای مختلف را امتحان کنی که باعث تولید فیلم‌های نوآورانه می‌شود اما اگر دنبال موفقیت باشی دنباله رو شده و به دنبال راه‌های آسانتر موفقیت می‌گرددی؛ این نوع سینماگران اهل ریسک نشده و خود را نابود می‌کنند درحالی‌که در ریسک شجاعت است که سینماگران مخاطبان خوبی پیدا می‌کنند و هم خودشان و هم مردم از فیلم‌هایشان لذت می‌برند. اقباشاوی گفت: در واقع باید بگویم ساخت خیل آثار تکراری و ریسک نکردن نه دنیا دارد و نه آخرت. البته امیدوارم با گسترش شبکه‌های اجتماعی و ارزان شدن پخش فیلم، فیلمسازان شجاعت‌تر و ریسک‌پذیرتر از گذشته به ساخت آثار برجسته و فاخر روی بیاورند.

گفت‌وگو

محمیا حمزه

دانش اقباشاوی داور بخش فیلمهای کوتاه این دوره از جشنواره فجر است. او نامزدی دریافت سیمرغ بهترین کارگردانی از جشنواره فیلم فجر برای فیلم تاج محل را در کارنامه دارد. با او گفت و گو کرده ایم.

داور هیات انتخاب و دآوری چهلمین جشنواره فیلم فجر می‌گوید: به دلیل شرایط عرفی و کمبود تنوع ژانر در سینمای ایران ریسک‌پذیری در فیلمسازان کاهش پیدا کرده است. اقباشاوی با اشاره به ویژگی‌های این دوره از جشنواره فیلم فجر عنوان کرد: جز فیلم‌های کوتاه هنوز آثار دیگر را ندیده‌ام اما در هیات انتخاب فیلم‌های کوتاه نشان داده شد که به برکت ممارست و استمرار این فیلم‌ها و این جشنواره، سینمای ایران به بلوغ خوبی رسیده است، حیرت میکنیم که سطح اختلاف فیلم‌ها بسیار کاهش

پیدا کرده و این موضوع کار ما را در هیات انتخاب بسیار مشکل کرد. این موضوع نشان دهنده این است که سینمای ایران رشد بسیار خوب و بلوغ قابل‌ارائه‌ای در سطح منطقه و آسیا پیدا کرده است.

این داور جشنواره ادامه داد: با تجربیاتی که طی سالیان گذشته در جشنواره داشته‌ام، مخاطب جشنواره فجر بین ۱۶ سال تا ۲۶ سال است، اصولاً همین رده سنی نیز طرفدار سینما و فیلم دیدن هستند و سلیقه آنها به منتقدان نزدیک است. اشکالی که پس از جشنواره ایجاد می‌شود این است که پس از اکران عمومی به دلیل اینکه طیف‌ها و طبقات مختلف از فیلم‌ها دیدن می‌کنند ممکن است فروش فیلم‌ها در گیشه‌ها همانی نباشد که در جشنواره رقم خورده است.

وی با بیان اینکه سلیقه مخاطب جشنواره با مخاطب عام تفاوت دارد، ادامه داد: مخاطب جشنواره طرفدار سینما است و در انتظار این جشنواره است اما سلیقه مخاطب عام ممکن است با منتقدان تفاوت داشته باشد.

در تکنیک رشد کردیم و باید در معنا هم پیشرفت کنیم

اقباشاوی با بیان اینکه طی پنج تا شش سال اخیر سینمای ایران به ساخت فیلم برای پرده بزرگ با داستان‌های هیجان‌انگیزتر توجه خوبی نشان داده شده است، اضافه کرد: به نظر من اما خبر بد اینکه لازم است دوباره به سمت فیلم‌های آپارتمانی حرکت کنیم زیرا اجباراً به دلیل کرونا و گسترش شبکه‌های اجتماعی ساخت فیلم‌های ارزان نیاز است زیرا پرده بزرگ کمتر وجود دارد.

سینمای ایران از لحاظ ساختاری طی سال‌های اخیر رشد خوبی داشته و امیدوارم از لحاظ معنایی هم رشد کند. این سینماگر افزود: در جهانی که مرگ وجود دارد به طور

